

اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه‌ی شش تهران



بررسی میزان درک دانش‌آموزان از مفهوم به رسمیت شناختن دیگری

دبیر راهنما : سرکار خانم مرضیه پورذکریا

پژوهشگران : فهیمه شریفی ، مهدیه لاجوردی

دبیرستان فرزانه‌گان شش دوره‌ی دوم متوسطه

شهر تهران

سال تحصیلی ۹۸-۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه‌ی شش تهران



بررسی میزان درک دانش‌آموزان از مفهوم به رسمیت شناختن دیگری

دبیر راهنما: سرکار خانم مرضیه پورذکریا

پژوهشگران: فهیمه شریفی، مهدیه لاجوردی

دبیرستان فرزنانگان شش دوره‌ی دوم متوسطه

شهر تهران

سال تحصیلی ۹۸-۹۷

## فهرست

فصل یک.....	۸
۱-۱- مقدمه .....	۹
۲-۱- بیان مسئله .....	۱۰
۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش .....	۱۲
۴-۱- اهداف پژوهش .....	۱۴
۱-۴-۱- اهداف کلی .....	۱۴
۲-۴-۱- اهداف جزئی .....	۱۴
۳-۴-۱- اهداف کاربردی .....	۱۴
۵-۱- سوالات پژوهش .....	۱۴
۶-۱- متغیرهای پژوهش .....	۱۵
۱-۶-۱- متغیر مستقل .....	۱۵
۲-۶-۱- متغیر وابسته .....	۱۵
۷-۱- فرضیه‌های پژوهش .....	۱۵
۱-۷-۱- فرضیه‌ی اصلی .....	۱۵
۲-۷-۱- فرضیه‌ی فرعی .....	۱۶
۸-۱- محدودیت‌های پژوهش .....	۱۶
واژگان کلیدی .....	۱۷
فصل دو .....	۱۸

۱۹	..... ۱-۲- تئوری‌ها
۱۹	..... ۱-۱-۲- بعد فلسفی موضوع
۲۱	..... ۲-۱-۲- بعد جامعه‌شناختی موضوع
۲۳	..... ۲-۲- چارچوب نظری
۲۵	..... فصل سه
۲۶	..... ۱-۳- روش اجرا
۲۶	..... ۲-۳- طرح پژوهش و شرکت کنندگان
۲۶	..... ۳-۳- روش جمع‌آوری اطلاعات
۲۶	..... ۴-۳- ابزار پژوهش
۲۶	..... ۵-۳- داده‌های آماری
۳۳	..... فصل چهار
۳۴	..... ۱-۴- جداول ترکیبی و توصیف و تحلیل داده‌ها
۴۰	..... ۲-۴- نتیجه‌گیری
۴۰	..... ۱-۲-۴- بررسی میزان درک دانش‌آموزان از به رسمیت شناختن دیگری
۴۰	..... ۲-۲-۴- بررسی معیار گفت‌وگو در داده‌ها
۴۱	..... ۳-۴- توضیحات
۴۲	..... فصل پنج
۴۳	..... ۱-۵- نتیجه‌گیری
۴۳	..... ۲-۵- ارائه‌ی پیشنهاد

منابع ..... ٤٤

ضمیمه ..... ٤٥

## چکیده

پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و ضرورت وجود فرهنگ به رسمیت شناختن دیگری<sup>۱</sup> در روابط خرد و کلان به بررسی این مفهوم در بین گروه‌های دانش‌آموزی می‌پردازد. جامعه‌ی آماری مورد بررسی، گروه‌های دانش‌آموزیست به این دلیل که گروه‌های دانش‌آموزی، در بین گروه‌های سنی مختلف جامعه برای فراگیری فرهنگ به رسمیت شناختن دیگری و عمل کردن بر اساس آن و ترویج آن از اهمیت خاصی برخوردار هستند و در آینده نیز می‌توانند این فرهنگ را هر چه بیشتر گسترش دهند. همچنین آموزش نیز ابزاری کارآمد و مفید برای نهادینه کردن مفاهیم در افراد می‌باشد.

در طول این پروژه بعد از انتخاب موضوع و گسترش ایده‌های ابتدایی، پژوهش‌های صورت گرفته با موضوع مفهوم به رسمیت شناختن دیگری و مبانی به رسمیت شناسی از دیدگاه جامعه‌شناسان و فیلسوفان این حوزه مورد مطالعه قرار گرفته و سپس میزان درک دانش‌آموزان از مفهوم به رسمیت شناختن دیگری در هشت مورد (قومیت، جنسیت، وضعیت اقتصادی، عقاید سیاسی، عقاید مذهبی، سن، شأن اجتماعی، گروه کلاسی) با طرح و توزیع پرسش‌نامه بین تعداد بیش از سی درصد از دانش‌آموزان دبیرستان فرزنانگان شش در مقطع متوسطه‌ی دوره‌ی دوم شهر تهران، اندازه‌گیری شده و داده‌های نهایی مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به نتایج پرسش‌نامه‌ها، پژوهشگران دریافتند که از بین هشت متغیری که مورد پرسش قرار گرفته‌اند، به ترتیب از کم به زیاد، سن، عقاید مذهبی، عضویت در گروه کلاسی متفاوت (گروه غیر خودی)، عقاید سیاسی، قومیت، وضعیت اقتصادی، شأن و موقعیت اجتماعی و جنسیت، به رسمیت شناخته شده‌اند.

کلید واژه : به رسمیت شناختن - دیگری - گروه دانش‌آموزی - قومیت - عقاید سیاسی - عقاید مذهبی - وضعیت اقتصادی - جنسیت

# فصل یک



دیگری، مفهومی است که مدت زیادیست مورد توجه فیلسوفان و جامعه‌شناسان قرار گرفته. دیگری در حوزه‌ی اخلاق و هویت مورد بررسی قرار گرفته‌است و در این پژوهش دیگری در حوزه‌ی اخلاق را مورد بررسی قرار داده‌ایم. از آنجایی که فرهنگ یک ملت از کنش‌های متقابل نمادین افراد با یکدیگر ساخته می‌شود. دغدغه‌ی فرهنگ، ما را به مطالعه‌ی رفتارهای بین فردی وامی‌دارد. از سوی دیگر، در جوامع امروز تقسیم‌بندی افراد از نظر ویژگی‌هایی مثل نژاد، رنگ‌پوست و وضعیت اقتصادی و..... مشکلات زیادی را ایجاد کرده و اعتراضات فراوانی شده که زندگی را برای افراد بسیار سخت کرده‌است. با توجه به این موضوع، به نظر می‌رسد، تقسیم‌بندی افراد به من و دیگری به مثابه انسانی کاملاً برابر و متمایز با من، بهترین نوع تقسیم بندی می‌باشد. بنابراین، ما می‌توانیم اخلاق را در حوزه روابط با دیگری تعریف کنیم. با بیان بهتر چه نوع از رفتار من با دیگریست که بر اخلاق‌مداری من صحنه می‌گذارد و از آنجایی که دیگری‌های من با یکدیگر، برابر و در عین حال متمایز هستند، من با احترام گذاشتن به این تفاوت‌ها به نظر می‌رسد که بهترین نوع بررسی اخلاق در روابط بین فردی را به دور از کلیشه‌ها به وجود آورم.

یکی از مسائل مهم و چشمگیر جهان امروز خشونت‌ست که در سطوح و با گستردگی گوناگون بین انسان-ها در حال رخ دادن است. این خشونت به دست ما و در مقابل دیده‌ی ما گاه به صورت فیزیکی اعمال می-شود مانند تبعیض‌هایی که مردم سراسر جهان در زمینه‌های گوناگون متحمل می‌شوند. برای مثال: تیراندازی ماموران شهر دالاس آمریکا به سیاه‌پوستان این شهر که اعتراض شهروندان دالاس را برانگیخت. این درحالیست که این رفتار مسئولیت متداول یک پلیس در برابر مشاهده‌ی یک جرم یا جنایت نبوده بلکه به گفته‌ی دو سوم از سیاه‌پوستان در آمریکا این رفتار از سوی پلیسان سفید پوست عمدا صورت گرفته و در گذشته نیز به طوری تکرار شده و این پلیسان خود یا یکی از نزدیکان این سیاه‌پوستان را مورد خشونت و بدرفتاری قرار داده‌اند؛ (پارس امروز، ۱۳۹۷)

تصویب قانون منصوب به بردگی در مجارستان که نیروی کار این کشور را بسیار تحت فشار قرار می‌داد نیز، که اعتراضات مردم را به دنبال داشته نوعی دیگر از این تبعیض‌هاست. (خبرنگاران جوان، ۱۳۹۷)

از قبیل این خشونت‌های فیزیکی در ایران نیز می‌توان به عدم ایجاد تسهیلات مناسب در حوزه‌ی شهرسازی برای زندگی معلولین اشاره کرد به طوریکه این مشکل حتی رفت‌وآمد آن‌ها را نیز دشوار می‌کند (خبرنگاران جوان، ۱۳۹۷)

همچنین رفتارهای تبعیض‌آمیز و نادیده گرفتن‌هایی که از سوی مردم و حکومت در ایران در برخورد با مهاجران افغان اعمال می‌شود و هر جا مصاحبه‌ای با آن‌ها صورت می‌گیرد در صحبت‌های ایشان قابل مشاهده است نیز مثالی دیگر برای این معضل است. اما دامنه‌ی خشونت گسترده‌تر از خشونت فیزیکی و بدنی تنهاست و انواع دیگری را نیز دربرمی‌گیرد، مانند خشونت زبانی. وقتی افراد دیگر را مورد توهین و تهدید و یا اقوام مختلف را مورد تمسخر قرار می‌دهیم؛ هنگامی که صاحبان یک عقیده را تحقیر می‌کنیم و به دیگران برچسب می‌زنیم انواعی از خشونت زبانی را انجام داده‌ایم. در نهایت می‌توان گفت که بین انواعی از خشونت رابطه‌ای نیز برقرار است، بدین صورت که پدیده‌ی خشونت ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد و سپس می‌تواند زمینه‌ساز خشونت فیزیکی بشود.

این‌گونه اتفاقات، همگی، ناشی از فعالیت‌های انسان‌ها چه در سطح خرد جامعه و چه سیاست‌گذاری‌های حکومت در سطح کلان می‌باشند؛ که در هر دو سطح، این رفتار به دلیل نادیده گرفتن و نپذیرفتن تفاوت‌های دیگران و نیازهایی که به دنبال این تفاوت‌ها شکل می‌گیرند؛ به وجود می‌آید. ترویج نگرش تکثرگرایانه که

بیانگر پذیرفتن تفاوت‌های میان افراد انسانی و احترام گذاردن به این تفاوت‌هاست و همچنین در باطن خود گام فراگیری گفت‌وگوی مسالمت آمیز را نیز دربر دارد، می‌تواند تا اندازه‌ی قابل توجهی زمینه‌ی جلوگیری از رفتار تبعیض‌آمیز و ایجاد عملکردی مبتنی بر به رسمیت شناختن دیگری را در بین انسان‌ها با یکدیگر در سطوح مختلف به وجود آورد.

در این باره یونسکو گزارشی مبتنی بر این مسئله که تکثر فرهنگی به بازسازی روابط بین‌المللی کمک می‌رساند؛ ارائه کرده است. در این گزارش به ضرورت ترویج کثرت‌گرایی در بین افراد انسانی نیز اشاره شده به دین‌گونه که برای بازسازی روابط بین‌المللی، ابتدا باید روابط افراد را در سطح خرد بررسی کنیم. (ریویر، ۱۳۸۸، مقدمه)

با توجه به این موضوع و همین‌طور با توجه به اینکه ترویج یک فرهنگ مستلزم آموزش آن فرهنگ است و این آموزش می‌تواند از طریق نهاد آموزش و پرورش اتفاق بیفتد؛ به نظر می‌رسد برای اطلاع از جایگاه مفهوم به رسمیت شناختن دیگری در سطح کلان جامعه ابتدا مطلوب است که جایگاه آن را در مدارس و در بین گروه‌های دانش‌آموزی بررسی کنیم، بدین جهت این پژوهش مسیر به رسمیت شناسی را در بررسی آن بین گروه‌های دانش‌آموزی پی می‌گیرد.

همه‌ی انسان‌ها دارای وجود هستند، به عقیده‌ی برخی از فیلسوفان این وجود مقدم بر ماهیت و به عقیده‌ی برخی دیگر ماهیت بر وجود مقدم است. آنچه که به نظر تعریف جامع‌تری از این تقدم را نشان می‌دهد تفکر تقدم وجود بر ماهیت است. یعنی همان تفکری که در مقابل سنت ساختارگرایانه‌ای که ماهیت را مقدم بر وجود می‌دانست شکل گرفته‌است. در این تفکر در واقع تقدم وجود بر ماهیت بدین معناست که انسان ابتدا در عرصه‌ی گیتی حضور پیدا می‌کند و وجود خود را درمی‌یابد آنگاه با آزادی و اراده و اختیار، ماهیت زندگی خود را رقم می‌زند. (شرفی، ایمانی، ۱۳۸۹، ص: ۱۲، ۱۳)

همانطور که مشاهده می‌شود، در این تعریف، وجود اهمیت زیادی پیدا می‌کند و همانطور که مک کواری می‌گوید، ما نیز می‌توانیم بگوییم که این وجود در خلا معنا پیدا نمی‌کند و بدون دیگران قادر به ادامه‌ی حیات خود نیست. به عقیده‌ی مک کواری، بودن با دیگران از جمله ساختارهای اساسی وجود است و هیچکس بدون وجود نموده‌ها نمی‌تواند خود باشد، لذا به نظر می‌رسد که هیچ تصویری از وجود اصلی نمی‌تواند وجود داشته باشد که صرفاً خودمحور یا ضد اجتماعی باشد. (شرفی و ایمانی به نقل از مک کواری، ۱۳۸۹، ص: ۱۳) در این تعریف آنچه بیش از هر چیز مورد توجه قرار می‌گیرد اهمیت رابطه‌ی فرد با دیگری است. برای ایجاد این رابطه به گونه‌ای که هر دو طرف بتوانند با حفظ عقاید، ارزشها و ویژگی‌های گوناگون خود در آن سهیم باشند لازم است تا انسان‌ها یکدیگر را به رسمیت بشناسند. پس از اینکه آن‌ها یکدیگر به رسمیت بشناسند می‌توانند حقوق خود را آنگونه که باید باشد به دست آورند و مسئولیت‌هایشان را در حالی که در وجود آنها درونی شده‌اند، به عمل آورند. بدیهست که در این شرایط، برقراری نظم اجتماعی نیز آسان و هموارتر خواهد شد و با کاهش جرم و جنایت‌ها زمینه‌ی برقراری امنیت از سوی عوامل امنیتی داخل مرزهای کشور به وجود خواهد آمد. کثرت‌گرایی نهادینه شده در به رسمیت شناختن دیگری ابزار نیست برای تربیت انسان دموکرات که تفاوت‌های دیگران را می‌شناسد و برای آن تفاوت‌ها احترام قائل است و در سطح خرد روابطی عاری از خشونت را پیش می‌برد پس از این امر است که مردم یک جامعه می‌توانند از نظام سیاسی کلان خود نیز انتظار رفتاری دموکراتیک داشته باشند. از لحاظ فرهنگی نیز همانگونه که ولتر نویسنده و شاعر فرانسوی در گزارشی با موضوع تکثرگرایی مذهبی در انگلیس می‌نویسد که صلح و آرامش مردم در انگلستان و نیز نظم و پایداری حکومت به دلیل تعدد مذهب هاست، به رسمیت شناختن دارای اهمیت است و می‌تواند دلیلی برای همبستگی اجتماعی باشد. این همبستگی

اجتماعی علاوه بر بعد فرهنگی ابعاد دیگری را نیز دربرمی‌گیرد مانند بعد اقتصادی که رونق و توسعه‌ی آن - هم علاوه بر عوامل گوناگونی که در علم اقتصاد تعریف می‌شوند، نیروهای تولیدی و مصرف‌کنندگانی را نیاز دارد که یکدیگر را نادیده نگرفته و در کنار منافع شخصی خود، منافع جمع را نیز در نظر گیرند.

## ۱-۴- اهداف پژوهش

۱-۴-۱- هدف کلی : بررسی میزان درک مفهوم به رسمیت شناختن دیگری در بین گروه‌های دانش‌آموزی

دبیرستان فرزنانگان شش دوره‌ی دوم متوسطه شهرتهران

۱-۴-۲- هدف جزئی :

بررسی درک مفهوم به رسمیت شناختن دیگری بر اساس معیار گفت‌وگو در گروه‌های دانش‌آموزی دانش-

آموزی دبیرستان فرزنانگان شش دوره‌ی دوم متوسطه شهرتهران

۱-۴-۳- اهداف کاربردی :

۱. کمک به بهبود وضعیت به رسمیت شناختن دیگری

۲. کمک به نهاد آموزش برای ایجاد برنامه‌های آموزشی پیرامون تربیت نسلی آگاه به مفهوم به رسمیت

شناختن دیگری ، برنامه‌هایی که روابط گروه های دانش آموزی را بهبود بخشد و یاری دهنده‌ی روند

آموزش و پرورش باشد.

۳. کمک به پژوهشگران دیگر برای برداشتن قدم هایی بعدی در این حوزه

## ۱-۵- سوالات پژوهش

۱. میزان درک دانش‌آموزان در گروه دانش‌آموزی دبیرستان فرزنانگان شش دوره‌ی دوم متوسطه شهرتهران،

از مفهوم به رسمیت شناختن دیگری در حوزه‌های مختلف چقدر است؟

۲. در بین دانش‌آموزان دبیرستان فرزنانگان شش دوره‌ی دوم متوسطه شهرتهران، به چه میزان و از چه نظر

گفت‌وگو شکل گرفته است؟

## ۱-۶- متغیرهای پژوهش

۱-۶-۱- متغیر وابسته :

۱. مفهوم به رسمیت شناختن دیگری

۱-۶-۲- متغیرهای مستقل :

۱. عقاید سیاسی متفاوت

۱. عقاید مذهبی متفاوت

۲. وضعیت اقتصادی متفاوت

۳. سن متفاوت

۴. شان اجتماعی متفاوت

۵. قومیت متفاوت

## ۱-۷- فرضیه های پژوهش

۱-۷-۱- فرضیه اصلی

۱. به نظر می‌رسد که، هر چه میزان درک دانش‌آموزان از به رسمیت شناختن دیگری بیش تر باشد، میزان پذیرش گروه‌های غیرخودی نیز، توسط آنان بیش تر می‌شود.

۱. به نظر می‌رسد که، هر چه میزان درک دانش‌آموزان از به رسمیت شناختن دیگری بیش تر باشد، میزان پذیرش گروه‌هایی با عقاید سیاسی متفاوت، از سوی آنان نیز بیش تر می‌شود.
۲. به نظر می‌رسد که، هر چه میزان درک دانش‌آموزان از به رسمیت شناختن دیگری بیش تر باشد، میزان پذیرش گروه‌هایی با عقاید مذهبی متفاوت نیز، از سوی آنان بیش تر می‌شود.
۳. به نظر می‌رسد که، هر چه میزان درک دانش‌آموزان از به رسمیت شناختن دیگری بیش تر باشد، میزان پذیرش گروه‌هایی با شرایط اقتصادی متفاوت نیز، توسط آنان نیز بیش تر می‌شود.
۴. به نظر می‌رسد که، هر چه میزان درک دانش‌آموزان از به رسمیت شناختن دیگری بیش تر باشد، میزان پذیرش گروه‌هایی با سنی متفاوت نیز، از سوی آنان نیز بیش تر می‌شود.
۵. به نظر می‌رسد که، هر چه میزان درک دانش‌آموزان از به رسمیت شناختن دیگری بیش تر باشد، میزان پذیرش گروه‌هایی با جنسیت متفاوت نیز، توسط آنان بیش تر می‌شود.
۶. به نظر می‌رسد که، هر چه میزان درک دانش‌آموزان از به رسمیت شناختن دیگری بیش تر باشد، میزان پذیرش گروه‌هایی با شأن اجتماعی متفاوت نیز، توسط آنان بیش تر می‌شود.
۷. به نظر می‌رسد که، هر چه میزان درک دانش‌آموزان از به رسمیت شناختن دیگری بیش تر باشد، میزان پذیرش گروه‌هایی با قومیتی متفاوت نیز، توسط آنان بیش تر می‌شود.
۸. به نظر می‌رسد که، هر چه میزان درک دانش‌آموزان از به رسمیت شناختن دیگری بیش تر باشد، میزان پذیرش گروه‌هایی با گروه کلاسی متفاوت نیز، توسط آنان بیش تر می‌شود.

#### ۱-۸- محدودیت های پژوهش

۱. کمبود منابع مرجع به زبان فارسی
۲. کمبود پیشینه‌ی تحقیق به زبان فارسی
۳. کمبود زمان به دلیل مشغول به تحصیل بودن پژوهشگران



## واژگان کلیدی

۱. به رسمیت شناختن دیگری: پذیرش افراد با تمایزات آن‌ها به طوری که روابط توأم با دوری از کلیشه‌ها، گوش دادن به حرف‌های یکدیگر و مسئولیت‌پذیری در قبال هم باشد.
۲. شأن اجتماعی: ویژگی هویتی مانند میزان تحصیلات، شغل و درآمد، شأن اجتماعی تلقی می‌شوند که بر اساس مجموعه‌ای از این ویژگی‌ها که نزد مردم جامعه ارزش بیشتری دارند، ارزیابی خواهند شد.

## فصل دو

بررسی اخلاق و به نوعی فرهنگ به رسمیت شناختن دیگری نیاز به بررسی کنش‌های متقابل نمادین دارد زیرا یک فرهنگ در کنش‌های متقابل نمادین پدیدار می‌شود. این کنش‌ها، کنش‌هایی هستند که میان من و دیگری شکل می‌گیرد، به همین دلیل روابط میان من و دیگری مورد توجه فیسوفان، جامعه‌شناسان و مورخان بوده است.

۲-۱-۱- به رسمیت شناختن دیگر از بعد فلسفی

الف) دیدگاه امانوئل لویناس

از دیدگاه فلسفه در رابطه با موضوع به رسمیت شناختن دیگری یکی از گزاره‌های مورد اهمیت این است که، آگاهی از نفس یا خودآگاهی در عین حال، آگاهی از کل است. (نمو، فیلیپ، ۱۳۷۹، ص: ۳۶۷) در این علم فیلسوفان زیادی با بیانات و دیدگاه‌های گوناگون به موضوع به رسمیت شناختن دیگری پرداخته‌اند. یکی از این فیلسوفان امانوئل لویناس است.

لویناس ابتدا رابطه‌ی بین الاثنی یا رابطه‌ی بین افراد را تعریف می‌کند. در این تعریف بیان می‌شود که در رابطه‌ی میان اشخاص نکته‌ی اصلی رودررویی یا مواجهه‌ی چهره به چهره بین افراد است. وحدت حقیقی در این رابطه به نظر لویناس، وحدتی است چهره به چهره نه باهم بودن که ناشی از ترکیب باشد که این وحدت چهره به چهره همان به رسمیت شناختن دیگری است. (همان، ص: ۳۶۹)

از نظر لویناس با هم بودن ناشی از ترکیب پیش فرض هر ترکیبی هست اما نه در مورد روابط بین آدمیان. این عنصر مشترک و همگانی که جامعه‌ای عینی شده را به بار می‌آورد و به انسان به مثابه اشیاء نگاه می‌کند، به نظر او، امری اساسی و بنیادین نیست. او به گفته‌ی لایب نیتس، معتقد است که: «ذهنیت بشری راستین، تشخیص ناپذیر است پس به همین خاطر آدم‌ها در روابط با هم به شکل واحدهای فردی متعلق به یک کل همسان و یک جنس گرد هم نمی‌آیند.» (همان، ص: ۳۶۹)

به نظر لویناس در این به رسمیت شناختن دیگری، مسئولیت‌پذیری افراد در مقابل یکدیگر بخش مهمی را تشکیل می‌دهد. او درباره‌ی این مسئولیت بیان می‌کند که: «از نظر من مسئولیت یعنی مسئولیت در قبال

دیگری و در نتیجه یعنی مسئولیت در قبال آنچه انجام نداده‌ام یا حتی در قبال آنچه برایم مهم نیست یا آنچه برایم مهم است و در هیئت چهره با من برخورد میکند. به لحاظ ایجابی خواهیم گفت از آنجا که دیگری به من می‌نگرد من در قبال او مسئول هستم و حتی اگر نسبت به او هیچ مسئولیتی تقبل نکرده باشم، مسئولیت او بر عهده‌ی من است. این مسئولیت است که از آنچه انجام می‌دهم فراتر می‌رود. معمولاً آدمی در قبال آنچه خود انجام می‌دهد مسئول است. در یکی از کتاب‌هایم گفته‌ام که مسئولیت از آغاز نوعی برای دیگری است. این به بدان معناست که من در قبال نفس مسئولیت او مسئولم. «لویناس این مسئولیت پذیری را در افراد صرف نظر از نگاه کردن به مسئولیت پذیری یا مسئولیت ناپذیری فرد متقابل می‌داند. او رابطه‌ی بین اذهان افراد را غیر متقارن می‌داند. در این معنا من در قبال دیگری بدون هر گونه انتظاری برای رابطه‌ی متقابل یا دوطرفه مسئولم. (نمو، فیلیپ، ۱۳۷۹، ص: ۳۷۷)

لویناس اهمیت این رابطه را از لحاظ حقوقی در برقراری عدالت می‌داند. این گونه که معتقد است، اگر انسان‌ها با حفظ به رسمیت شناختن دیگری با شمار کثیری از افراد رابطه برقرارکنند برقراری عدالت بین این شمار کثیر برایشان راحت‌تر می‌شود. برای مثال: اگر در برخورد عادلانه با همسایه‌ی خود دچار چالش شده باشیم، آنچه به ما کمک می‌کند این است که با افراد اطراف او نیز تعامل داشته باشیم تا بفهمیم او به طور کلی جدا از رابطه‌ی خودمان دو نفر، شایسته‌ی چه عدالتی است. (نمو، فیلیپ، ۱۳۷۹، ص: ۳۷۴)

در یک جمع بندی از عقیده‌ی لویناس پیرامون موضوع به رسمیت شناختن دیگری می‌توان گفت: ذات فلسفه‌ی لویناس مبنی بر اصول اخلاقی دیگری نهفته است چنان که او می‌گوید: «اخلاق به مثابه نخستین فلسفه». لویناس ارجحیت اخلاق را از طریق تجربه‌ی رودررو شدن با دیگری می‌گیرد. (چهره به چهره شدن) با موجودی انسانی دیگری پدیده‌ی ممتاز به شمار می‌آید. در این (چهره به چهره شدن)، قرابت و فاصله با شخصی دیگر کاملاً محسوس است. لویناس می‌گوید رابطه با دیگری شالوده‌ی ذهن ما را تشکیل می‌دهد و نیاز اخلاقی باعث مسئولیت ما نسبت به دیگری می‌شود. (افتخاری راد، ۱۳۸۴، ص: ۱۵۷)

ب) مقایسه‌ی دیدگاه لویناس و سارتر

یکی دیگر از فیلسوفان پردازنده به این موضوع سارتر است. وجه اشتراک تفکر سارتر با لویناس در پرداختن به موضوع (دیگری)، این است که هر دوی آن‌ها وجود دیگری را لازم می‌دانند و اما وجه افتراق تفکر آن‌ها در این باره این است که، سارتر به دیگری به چشم بدگمانی و سوءظن نگاه می‌کند ولی لویناس برعکس.

از نظر سارتر دیگری دوزخ و هاویه است و از نظر لویناس بهشت. از نظر سارتر دیگری دلالت بر محدودیت و مانعی برای آزادی خود است. سارتر در نمایشنامه در بسته (no exit)، می‌گوید: «دیگری دوزخ است.» فرد آلفورد در کتاب لویناس مکتب فرانکفورت و روانکاوی در فصل کسی زنگ خانه‌ی شما را به صدا در می‌آورد می‌نویسد: فرض کنید فردی زنگ در خانه‌ی شما را به صدا در می‌آورد، از نظر لویناس فرقی بین مرگ و این فرد وجود ندارد. این دیگری به هیچ وجه یکی عین خودم نیست که حیات مشترکی با من داشته باشد. سارتر هم همین حرف را می‌زند اینکه دیگری، مرگ من است. اما سارتر برخلاف لویناس به این مرگ خوشامد نمی‌گوید. از نظر سارتر دیگری مرگ من است چرا که واقعیت او امکانات نامتناهی مرا محدود می‌کند و به آن قید و بند می‌زند. از نظر لویناس دیگری مرگ من است چراکه این دیگری کاملاً با من متفاوت است. (همان، ص: ۱۵۷)

#### ج ( دیدگاه مارتین بوبر

مارتین بوبر فیلسوفی است که قبل از پرداختن به روابط بین افراد اساساً این پرسش را مطرح می‌کند که واقعیت اساسی و بنیادی انسان فردگرایی است یا جمع‌گرایی؟ و بعد پاسخ می‌دهد: «نه فرد، نه جمع آنچنان که اکنون هستند. فرد واقعی فردی است که با افراد دیگر گام بزند و جمع واقعی با اعضای زنده در ارتباط است. واقعیت بنیادین حیات انسان در ارتباط انسان با انسان است. در هیچ جایی در جهان، به جز انسان با انسان نمی‌توان این ارتباط را برقرار کرد. باید این ارتباط به نحوی از ساحت شخصی و خصوصی و منحصر به من فراتر برود و به حالت مشترک بین انسان‌ها برسد.» آنچنان که پیداست در سخنان و تحلیل بوبر نیز روابط بین افراد با رعایت شرط به رسمیت شناختن دیگری موضوع مهم است. (رسولی پور، ۱۳۹۶)

#### ۲-۱-۲- به رسمیت شناختن دیگری از بعد جامعه شناختی

#### الف ( دیدگاه آکسل هونت

کمی بعدتر از سارتر و بوبر و لویناس فیلسوفی به نام آکسل هونت در این زمینه از بعد جامعه‌شناسانه‌ی آن سخن به میان می‌آورد. هانت به رسمیت شناختن را از دیدگاه خود این‌گونه تعریف می‌کند که: «به رسمیت شناسی یعنی اینکه دیگری حق دارد از من خواسته داشته باشد. من بایستی بپذیرم که وی حق دارد مورد

توجه قرار گیرد. من نمی‌توانم به راحتی و بی‌ملاحظه از کنار دیگری بگذرم و هرچه را می‌خواهم، انجام دهم. این درک و دریافت هسته‌ی معنایی به رسمیت‌شناسی از نظر من است.» از نظر هانت در مسیر به رسمیت‌شناسی نباید افراد را ارزش‌گذاری کرد زیرا با عمل ارزش‌گذاری، امری بین انسان‌های همسانی شکل نمی‌گیرد بلکه به ویژگی یک شخص خاص توجه داده می‌شود. زیرا ما با ارزش گذاشتن به دیگری به یک فاعل شناسا که خاصیت یا توانایی چشمگیری دارد ارزش بیشتری داده‌ایم. (گفت‌وگو با آکسل هونت، ۲۰۱۰، فرانکفورت‌ر روند شاو)

هونت با اتکا به آموخته‌های فلسفه‌ی اجتماعی، علوم اجتماعی و روان‌شناسی معتقد است که تحقق بخشیدن به خود چون فردیتی خود مختار منوط به به رسمیت‌شناختن متقابل افراد جامعه در سه حوزه‌ی هنجارین چون عشق و علاقه (در روابط دوستی و خانوادگی و...)، حقوق و همبستگی (در حوزه‌ی اجتماعی، کار و اشتغال) است. او بیان می‌کند که هنگامی که انتظارات افراد در به رسمیت‌شناخته شدنشان توسط دیگران در محیط زندگی، کار، اجتماع و... نفی یا جریحه دار شود، در وجود آنها احساس بی‌عدالتی شکل می‌گیرد. این افراد برای دست رسی به شرایطی که در آن به طور برابر مورد قبول واقع شوند و به رسمیت‌شناخته شوند دست به مبارزه می‌زنند. (الیویه وارول، ۱۳۸۰)

او بیان می‌کند که البته علاوه بر جنبه‌ی حقوقی به رسمیت‌شناسی باید به جنبه‌های دیگر آن نیز اهمیت داد برای مثال: باید متوجه پیکار زنان باشیم که در پی پذیرش و به رسمیت‌شناسی اجتماعی کار خانگی هستند. او در این رابطه بیان می‌کند که مساله‌ی ایشان بیشتر تأمین ارزش‌گذاری اجتماعی است تا صرفاً دستیابی به موقعیت حقوقی بهتر. (گفت‌وگو با آکسل هونت، ۲۰۱۰، فرانکفورت‌ر روند شاو)

هونت همچنین در کتاب خود با عنوان مبارزه برای به رسمیت‌شناسی (struggle for recognition)، این موضوع را با عنوانی توصیف کرده که باید در مرکز درگیری‌های اجتماعی باشد. در این کتاب هونت با حرکت بین فلسفه اخلاق و تئوری‌های اجتماعی، موضوعاتی همچون فرم‌های اجتماعی به رسمیت‌شناخته شدن و نشدن، مبنای اخلاقی تعامل در درگیری‌های انسانی یا معضلات اجتماعی، رابطه‌ی بین به رسمیت‌شناسی و مفاهیم مدرنیته و... مطرح کرده است.

ب) از دیدگاه کارشناسان سازمان یونسکو

یونسکو در سال ۲۰۰۹ گزارشی با عنوان سرمایه‌گذاری در تنوع فرهنگی و گفت‌وگوهای درون فرهنگی

منتشر کرده است. این گزارش جهانی تلاش می‌کند که نشان بدهد پذیرش تنوع فرهنگی به بازسازی استراتژی‌های روابط بین‌الملل در مجموعه‌ای از مناطق کمک می‌کند به طوری که با یاری و به کارگیری مردم بومی هر منطقه خواسته‌های بلند پروازانه‌شان را به دست بیاورند. (ریویرر، فرانسوا، ۱۳۸۸، مقدمه)

## ۲-۲- چارچوب نظری

هنگامی که برای اندازه‌گیری میزان به رسمیت شناختن دیگری در افراد و گروه‌ها در قسمت‌های مختلف سوال‌هایی طراحی و پرسیده و به آنها جواب داده می‌شود در لایه‌های زیرین پاسخ‌های به دست آمده داده‌هایی یافت می‌شود که از آنها تحت عنوان معیارهای به رسمیت شناختن دیگری یاد می‌کنیم. از بین مهم‌ترین این معیارها می‌توان به مواردی از قبیل نداشتن کلیشه درباره‌ی دیگران، مسئولیت‌پذیری و گفت‌وگو اشاره کرد. کلیشه‌ها در واقع نشات گرفته از تک روایت‌هایی هستند که ما درباره‌ی دیگران نقل می‌کنیم و آنها را با آن تک روایت‌ها نمایش می‌دهیم. ایراد تک‌روایت‌ها این است که آنها توصیف کاملی برای افراد نخواهند بود، مردم را از شان و مقام خود تهی می‌کنند و درک شناخت آنها را از هویت برابر انسانی مخدوش کرده و به جای شباهت‌ها، بر تفاوت‌ها تکیه و تاکید می‌کنند. (آدیچی، ۱۳۹۰، ص: ۲۳۱)

اهمیت مسئولیت‌پذیری را در بین معیارهای به رسمیت شناختن دیگری می‌توان در تفکر "تقدم وجود بر ماهیت" در بین فیلسوفان مکتب اگزیستانسیالیسم و به ویژه بویر به عنوان یک اگزیستانسیالیست دینی، مشاهده کرد. در حالی که سنت ساختاریافته بر این عقیده بود که ماهیت، مقدم بر وجود است بدین معنا که به جای اینکه ماهیت زندگی به وسیله‌ی انسان تعیین شود، ماهیت انسان به وسیله‌ی دوره‌ای از زندگی او تعیین می‌شود، اگزیستانسیالیست‌ها بر این عقیده هستند که انسان ابتدا در عرصه‌ی گیتی حضور پیدا می‌کند، سپس با توجه به آزادی که در تصمیم و انتخاب دارد، ماهیت خود را رقم می‌زند. تقدم وجود بر ماهیت همه‌ی مسئولیت را متوجه انسان می‌کند؛ اوست که تصمیم می‌گیرد و متعاقب این تصمیم جلوه‌ای از او امکان ظهور می‌یابد که مسئولیت و عواقب رفتار او را متوجه خود می‌کند. این مسئولیت در معنایی گسترده‌تر از آن وظایف روزانه‌ای است که برای ما تعیین شده‌اند. از منظر صاحب نظران این مکتب فلسفی، مسئولیت عبارت است از مسئولیتی که از نفس و آزادی و انسان بودن خودمان نشات می‌گیرد بدین معنا که من حتی اگر خودم باشم و هیچکس از من بازخواست نکند، من، باز هم مسئول هستم یعنی منشا مسئولیت در درون خود فرد است. نکته‌ی مهم در این تعریف از احساس مسئولیت آن است که می‌گوییم این احساس

مسئولیت درونی سر به بیرون می‌کشد و احساس مسئولیت در برابر دیگران را نیز به وجود می‌آورد. (شرفی، ایمانی، ۱۳۸۹، ص: ۱۲، ۳۹)

همچنین از دیدگاه بوبر جامعه‌ی انسانی هنگامی محقق می‌شود که تایید متقابل صورت بگیرد و این تایید متقابل به بهترین شکل خود به وسیله‌ی گفت‌وگو تحقق می‌یابد. در اثنای این گفت‌وگو وضعیتی رخ می‌دهد که در آن هر دو طرف حاضر در گفت‌وگو به واسطه‌ی وضعیت زنده‌ی مشترک پذیرفته می‌شوند و خود آنها حفظ و به رسمیت شناخته خواهد شد. (همان، ص: ۱۷، ۱۹)



# فصل سه

### ۳-۱- روش اجرا

روش پیمایشی، پیمایش، مجموعه‌ای از روش‌های منظم و استاندارد است که برای جمع‌آوری اطلاعات درباره افراد، خانواده‌ها و یا مجموعه‌های بزرگتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و همچنین روشی برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره‌ی دیدگاه‌ها، باورها، نظرات، رفتارها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه آماری از راه انجام تحقیق است. (<https://iranreaserch.ir>)

در واقع با توجه به کارکرد روش پیمایش که پژوهش‌گر در آن می‌تواند برای اندازه‌گیری یک ویژگی در جمعیتی بزرگ از یک نمونه‌ی آماری آن جمعیت استفاده کند، روشی مناسب برای پژوهش حاضر بوده تا بتواند در ابتدا میزان به رسمیت شناسی را در شش حوزه نام برده در بین تعداد بیش از سی درصد دانش آموزان جامعه آماری بیان کند که منعکس کننده‌ی این میزان در تمام دانش آموزان جامعه آماری باشد.

۳-۲- طرح پژوهش و شرکت کنندگان : طرح جمع‌آوری اطلاعات پیرامون مفهوم به رسمیت شناختن دیگری، بیش از سی درصد دانش آموزان مدرسه فرزنانگان شش دوره‌ی دوم متوسطه‌ی تهران

### ۳-۳- روش جمع‌آوری اطلاعات : روش میدانی و کتابخانه‌ای

۳-۴- ابزار : پرسش‌نامه، تحقیقات، منابع مرجع

نمونه پرسشنامه : ضمیمه‌ی فایل پژوهش

### ۳-۵- داده‌های آماری به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها

پرسش‌یک : اگر در نشریه‌ی کلاسی‌تان لازم باشد بین متن‌های دانش‌آموزان کلاس‌های دیگر و هم‌کلاسی‌هایتان متنی را انتخاب کنید تا چه اندازه به طور منصفانه این کار را انجام می‌دهید؟

نتایج به دست آمده:

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۳	۳۴	۲۶	۳	۲۹	۹۵
درصد	۳/۲	۳۵/۸	۲۷/۴	۳/۲	۳۰/۵	۱۰۰

بیش از نیمی از افراد یعنی حدوداً ۶۶٪ آنها معتقد بوده‌اند که برای گزینش متن از بین همکلاسی‌هایشان و کلاس‌های دیگر انصاف را در حد زیاد و خیلی زیاد در نظر می‌گیرند. ۲۷/۴٪، گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند و تنها ۶/۴٪ آنها کم‌تر از حد متوسط عادلانه قضاوت خواهند کرد.

پرسش دو: تصور کنید فردی در اواسط سال از شهری دیگر به تهران آمده و به کلاس شما اضافه

شده است. تمایل شما برای اینکه با او گفت‌وگو کنید، چه قدر است؟

نتایج به دست آمده:

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۵	۶	۳۶	۲۵	۲۲	۹۴
درصد	۵/۳	۶/۳	۲۷/۹	۲۶/۳	۲۳/۲	۹۸/۹

از میان کسانی که پرسش‌نامه را دریافت کرده‌اند، یک نفر به این سوال پاسخ نداده است. بیشترین انتخاب افراد در برخورد با فردی که از شهری دیگر به مدرسه‌شان آمده است، تمایل در حد متوسط برای معاشرت با او بوده است. تنها ۱۱/۶٪، تمایل کم یا خیلی کم داشته‌اند و در مقابل ۴۹/۵٪ از آنها تمایل زیاد یا خیلی زیاد برای گفت‌وگو با فرد جدید دارند.

پرسش سه: تصور کنید که متوجه می‌شوید عقاید مذهبی یکی از معلم‌هایتان با عقاید مذهبی شما مخالفت

دارد. این اختلاف به چه میزان در گوش دادن به حرف‌های او و تفکر کردن درباره‌ی آنها تاثیرگذار است.

نتایج به دست آمده:

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۲۲	۳۳	۲۳	۱۲	۵	۹۵
درصد	۲۳/۲	۳۴/۷	۲۴/۲	۱۲/۶	۵/۳	۱۰۰

از میان دانش‌آموزان ۵۷/۹٪، عقاید مذهبی متفاوت معلم‌شان را در تفکر درباره حرف‌های او کم یا خیلی کم تأثیرگذار دانسته‌اند. اما ۱۲٪، زیاد و ۵٪، خیلی زیاد این اتفاق را تأثیرگذار قلمداد کرده‌اند و ۲۴/۲٪ نیز گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند.

پرسش چهار: تصور کنید در دوران انتخابات ریاست جمهوری متوجه می‌شوید یکی از همکلاسی‌هایتان عقاید سیاسی مخالف با عقاید سیاسی شما دارد؛ این اختلاف به چه میزان در روابط ما بین شما تأثیرگذار است؟

نتایج به دست آمده:

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۴۱	۳۱	۱۷	۴	۲	۹۵
درصد	۴۳/۲	۳۲/۶	۱۷/۹	۴/۲	۲/۱	۱۰۰

در این سوال ۴۳/۲٪ از افراد، تأثیر تفاوت عقاید سیاسی در روابط‌شان را خیلی کم توصیف کرده‌اند. ۳۲/۶٪ نیز در این مورد میزان کم را انتخاب کرده‌اند و در مقابل مجموعاً ۷/۳٪ اعتقاد داشته‌اند میزان تأثیرگذاری آن بیش از حد متوسط است.

پرسش پنج: در یک پروژه گروهی بعد از یک هفته متوجه می‌شوید که تحصیلات پدر و مادر هم‌گروهی شما از دیپلم پایین‌تر است و محل زندگی آنها در جنوب شهر واقع شده است، این موضوع تا چه میزان در ادامه‌ی همکاری شما با او تأثیرگذار است؟

نتایج به دست آمده:

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۶۹	۱۴	۹	۳	۰	۹۵
درصد	۷۲/۶	۱۴/۷	۹/۵	۳/۲	۰	۱۰۰

در سوال مربوط به شأن اجتماعی متفاوت (با توجه به ارزش‌های مورد قبول جامعه) ۷۲/۶٪ افراد تأثیرگذاری آن را بسیار کم توصیف کرده‌اند و هیچ‌کس تأثیرگذاری خیلی زیاد را انتخاب نکرده است. ۱۴/۷٪ معتقد به تأثیرگذاری کم بوده‌اند و ۹/۵٪ گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند و تنها ۳/۲٪ گزینه زیاد را برگزیده‌اند.

پرسش شش : اگر در یک گفتمان، فردی، نظری مخالف نظر شما ارائه کند، سن او تا چه اندازه در میزانی که شما حرف او را جدی می گیرید و درباره ی آن فکر می کنید تاثیرگذار است؟

نتایج به دست آمده :

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۱۹	۲۴	۲۹	۱۸	۵	۹۵
درصد	۲۰	۲۵/۳	۳۰/۵	۱۸/۹	۵/۳	۱۰۰

در این سوال بیشترین انتخاب افراد که ۳۰/۵٪ کل است، گزینه متوسط بوده است. ۴۵/۳٪ افراد گزینه های کم یا خیلی کم را انتخاب کرده اند و ۱۴/۲٪ تاثیرگذاری سن را زیاد یا خیلی زیاد توصیف کرده اند.

پرسش هفت : اگر در یک گفتمان، فردی، نظری مخالف نظر شما ارائه کند، لهجه ی او تا چه اندازه در میزانی که شما حرف او را جدی می گیرید و درباره ی آن فکر می کنید تاثیرگذار است؟

نتایج به دست آمده :

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع
تعداد	۴۸	۲۰	۱۵	۹	۳	۹۵
درصد	۵۰/۵	۲۱/۱	۱۵/۸	۹/۵	۳/۲	۱۰۰

در سوال مربوط به لهجه افراد حدوداً نیمی از افراد تاثیرگذاری آن را خیلی کم توصیف کرده اند و در مقابل ۳/۲٪ گزینه خیلی زیاد را انتخاب کرده اند. گزینه متوسط توسط ۱۵/۸٪ افراد انتخاب شده است. ۲۱/۱٪ کم و ۹/۵٪ زیاد را انتخاب کرده اند.

پرسش هشت : اگر در یک کارگاه دانش آموزی، فردی، نظری مخالف نظر شما ارائه کند، جنسیت او تا چه اندازه در میزانی که شما حرف او را جدی می گیرید و درباره ی آن فکر می کنید تاثیرگذار است؟

نتایج به دست آمده :

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۶۴	۲۱	۶	۱	۳	۹۵
درصد	۶۷/۴	۲۲/۱	۶/۳	۱/۱	۳/۲	۱۰۰

در میان دانش‌آموزان تأثیر جنسیت افراد را در مورد توجه قرارگرفتن حرفشان ۶۷/۴٪ خیلی کم، ۲۲/۱٪ کم، ۶/۳٪ متوسط، ۱/۱٪ زیاد و ۳/۲٪ خیلی زیاد توصیف کرده‌اند.

پرسش نه : تصور کنید یکی از هم‌کلاسی در منطقه‌ای محروم زندگی می‌کند و شرایط مالی خوبی ندارد، تمایل شما برای اینکه به حرف‌های او گوش بدهید و درباره‌ی آنها فکر کنید، چقدر است؟

نتایج به دست آمده :

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۱۳	۳	۱۰	۳۷	۳۲	۹۵
درصد	۱۳/۷	۳/۲	۱۰/۵	۳۸/۹	۳۳/۷	۱۰۰

از ۹۵ نفری که به این پرسش پاسخ داده‌اند، ۳۳/۷٪ از افراد خیلی زیاد و ۳۸/۹٪ آن‌ها زیاد تمایل به گفت‌وگو با دانش‌آموزی با شرایط اقتصادی ضعیف، داشته‌اند. ۱۰/۵٪ آن‌ها گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند. تمایل ۳/۲٪ کم و ۱۳/۷٪ خیلی کم بوده‌است.

پرسش ده : برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است اعتقادات مذهبی او به شما شبیه باشد؟

نتایج به دست آمده :

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۲۱	۲۰	۳۰	۱۷	۷	۹۵
درصد	۲۲/۱	۲۱/۱	۳۱/۶	۱۷/۹	۷/۴	۱۰۰

لزوم شباهت اعتقادات مذهبی دوست صمیمی با فرد برای ۲۲/۱٪ خیلی کم، ۲۱/۱٪ کم، ۳۱/۶٪ متوسط، ۱۷/۹٪ زیاد و ۷/۴٪ خیلی زیاد بوده‌است.

پرسش یازده : برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است عقاید سیاسی او به شما شبیه باشد؟

نتایج به دست آمده :

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۳۲	۱۹	۲۹	۱۲	۳	۹۵
درصد	۳۳/۷	۲۰	۳۰/۵	۱۲/۶	۳/۲	۱۰۰

لزوم شباهت اعتقادات سیاسی دوست صمیمی با فرد برای ۳۳/۷٪ خیلی کم، ۲۰٪ کم، ۳۰/۵٪ متوسط، ۱۲/۶٪ زیاد و ۳/۲٪ خیلی زیاد بوده است.

پرسش دوازده : برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است شأن اجتماعی او (شغل و میزان تحصیلات پدر و مادر و ...)، به شما شبیه باشد؟

نتایج به دست آمده :

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۴۲	۲۴	۱۶	۱۲	۱	۹۵
درصد	۴۴/۲	۲۵/۳	۱۶/۸	۱۲/۶	۱/۱	۱۰۰

لزوم شباهت شأن اجتماعی دوست صمیمی با فرد برای ۴۴/۲٪ خیلی کم، ۲۵/۳٪ کم، ۱۶/۸٪ متوسط، ۱۲/۶٪ زیاد و ۱/۱٪ خیلی زیاد بوده است.

پرسش سیزده : برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است وضعیت اقتصادی او به شما شبیه باشد؟

نتایج به دست آمده :

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۵۴	۲۴	۱۲	۴	۱	۹۵
درصد	۵۶/۸	۲۵/۳	۱۲/۶	۴/۲	۱/۱	۱۰۰

لزوم شباهت وضعیت اقتصادی دوست صمیمی با فرد برای ۵۶/۸٪ خیلی کم، ۲۵/۳٪ کم، ۱۲/۶٪ متوسط، ۴/۲٪ زیاد و ۱/۱٪ خیلی زیاد بوده است.

پرسش چهارده : برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است که قومیتش به شما شبیه باشد؟

نتایج به دست آمده :

نمره	خیلی کم	زیاد	متوسط	کم	خیلی زیاد	مجموع
تعداد	۷۳	۱۴	۷	۱	۰	۹۵
درصد	۷۶/۸	۱۴/۷	۷/۴	۱/۱	۰	۱۰۰

لزوم شباهت وضعیت اقتصادی دوست صمیمی با فرد برای ۷۶/۸٪ خیلی کم، ۱۴/۷٪ کم، ۷/۴٪ متوسط، ۱/۱٪ زیاد و ۰٪ خیلی زیاد بوده است.



# فصل چہار

#### ۴-۱- جداول ترکیبی و توصیف و تحلیل داده‌ها :

در این بخش ابتدا آمار به دست آمده از پاسخ‌های داده‌شده به پرسش‌هایی که در پرسش‌نامه‌ی طرح شده میزان به رسمیت شناختن دیگری را با تاثیر متغیری یکسان بررسی می‌کنند، به شکل جداول ترکیبی نمایش داده و پس از توصیف و تحلیل داده‌ها، نتیجه را ارائه و شاخص گفت‌وگو را در آن بررسی خواهیم کرد. دلیل انتخاب این معیار و شاخص از بین دیگر معیارها، یک، به دلیل اهمیت و ضرورت و تاثیرگذاری فراوان آن در افزایش به رسمیت شناختن دیگری در جامعه و بعد، به دلیل فرصت محدود پژوهشگران برای بررسی شاخص‌هایی بیش از یک مورد است.

پرسش پنج : در یک پروژه گروهی بعد از یک هفته متوجه می‌شوید که تحصیلات پدر و مادر هم‌گروهی شما از دیپلم پایین‌تر است و محل زندگی آنها در جنوب شهر واقع شده است، این موضوع تا چه میزان در ادامه‌ی همکاری شما با او تاثیرگذار است؟

پرسش دوازده : برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است شأن اجتماعی او (شغل و میزان تحصیلات پدر و مادر و...) ، به شما شبیه باشد؟

شماره سوال	موضوع سوال	گزینه‌ی خیلی کم	گزینه‌ی کم	گزینه‌ی متوسط	گزینه‌ی زیاد	گزینه‌ی خیلی زیاد
۵	تاثیر شأن و موقعیت اجتماعی	۷۲/۶	۱۴/۷	۹/۵	۳/۲	۰
۱۲	تاثیر شأن و موقعیت اجتماعی	۴۴/۲	۲۵/۳	۱۶/۸	۱۲/۶	۱/۱

میزان به رسمیت شناختن دیگری با شأن و موقعیت اجتماعی متفاوت، از سوی دانش‌آموزان، به طور میانگین، ۵۸/۴٪ خیلی زیاد، ۲۰٪ زیاد، ۱۳٪ متوسط، ۸٪ کم و ۰/۵۵٪ خیلی کم است. با توجه به نتایج، به این پی می‌بریم که میزان تأثیرگذاری تفاوت شأن و موقعیت اجتماعی در انتخاب دوست صمیمی بیش‌تر از تصمیم به ادامه همکاری است، که این مورد نشان می‌دهد که فرد در روابط بلند مدت لزوم شباهت از لحاظ شأن و موقعیت اجتماعی به دیگری مدنظر را، بیشتر می‌داند.

پرسش شش : اگر در یک گفتمان، فردی، نظری مخالف نظر شما ارائه کند، سن او تا چه اندازه در میزانی که شما حرف او را جدی می‌گیرید و درباره‌ی آن فکر می‌کنید تاثیرگذار است؟

شماره‌ی سوال	موضوع سوال	گزینه‌ی خیلی کم	گزینه‌ی کم	گزینه‌ی متوسط	گزینه‌ی زیاد	گزینه‌ی خیلی زیاد
۶	تاثیر سن	۲۰	۲۵/۳	۳۰/۵	۱۸/۹	۵/۳

دانش‌آموزان، دیگری را با سن متفاوت، ۲۰٪ خیلی زیاد، ۲۵/۳٪ زیاد، ۳۰/۵٪ متوسط، ۱۸/۹٪ کم و ۵/۳٪ خیلی کم به رسمیت شناخته‌اند. بیش از ۵۰٪ دانش‌آموزان، تاثیرگذاری سن فرد را در اینکه با او گفت‌وگو بیش‌تر از کم می‌دانستند. این آمار می‌تواند به طور ویژه‌ای قابل توجه باشد و از آنجایی که بحث‌هایی مانند تفاوت بین نسلی، امروزه مطرح است به نظر می‌رسد که افراد این تفاوت‌ها را که می‌تواند ناشی از رشد سریع تکنولوژی و تفاوت سبک زندگی باشد، به رسمیت نمی‌شناسند.

پرسش سه : تصور کنید که متوجه می‌شوید عقاید مذهبی یکی از معلم‌هایتان با عقاید مذهبی شما مخالفت دارد. این اختلاف به چه میزان در گوش دادن به حرف‌های او و تفکر کردن درباره‌ی آنها تاثیرگذار است؟

پرسش ده : برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است اعتقادات مذهبی او به شما شبیه باشد؟

شماره‌ی سوال	موضوع سوال	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۳	تاثیر عقاید مذهبی	۲۳/۲	۳۴/۷	۲۴/۲	۱۲/۶	۵/۳
۱۰	تاثیر عقاید مذهبی	۲۲/۱	۲۱/۱	۳۱/۶	۱۷/۹	۷/۴

دانش‌آموزان، دیگری را با عقاید مذهبی متفاوت، به طور میانگین، ۲۲/۶٪ خیلی زیاد، ۲۷/۹٪ زیاد، ۲۷/۹٪ متوسط، ۱۵/۳٪ کم و ۶/۳٪ خیلی کم به رسمیت شناخته‌اند. توازن داده‌ها در دو پرسشی که میزان تأثیرگذاری متغیر عقاید مذهبی را سنجیده‌اند نسبت به داده‌های باقی پرسش‌ها بیشتر است. با اینکه یکی از پرسش‌ها در

رابطه با دانش آموز و معلم و دیگری، در رابطه با دانش آموز و دوست صمیمی اش است، اما، تفاوت قابل توجهی بین داده‌های به دست آمده از پاسخ‌های داده شده به دو پرسش احساس نمی‌شود.

پرسش چهار : تصور کنید در دوران انتخابات ریاست جمهوری متوجه می‌شوید یکی از همکلاسی‌هایتان عقاید سیاسی مخالف با عقاید سیاسی شما دارد؛ این اختلاف به چه میزان در روابط ما بین شما تاثیرگذار است؟

پرسش یازده : برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است عقاید سیاسی او به شما شبیه باشد؟

شماره‌ی سوال	موضوع سوال	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۴	تاثیر عقاید سیاسی	۴۳/۲	۳۲/۶	۱۷/۹	۴/۲	۲/۱
۱۱	تاثیر عقاید سیاسی	۳۳/۷	۲۰	۳۵	۱۲/۶	۳/۲

دانش آموزان، دیگری را با عقاید سیاسی متفاوت به طور میانگین، ۳۸/۴٪ خیلی زیاد، ۲۶/۳٪ زیاد، ۲۶/۴٪ متوسط، ۸/۴٪ کم و ۲/۳٪ خیلی کم است. داده‌های به دست آمده از دو سوال بالا نشان می‌دهند که میزان اثرگذاری عقاید سیاسی نیز مانند میزان اثرگذاری شأن اجتماعی در روابط جدی‌تر و بلندمدت بیشتر بوده- است. نکته‌ی قابل توجه دیگر نیز در این آراء وجود دارد که بیشتر متوجه گروه سنی پاسخ دهنده به این پرسش نامه است، یعنی گروه سنی که در جامعه حق رأی، بزرگترین شکل مشارکت مردمی در سیاست کشور را هنوز ندارند و به همین دلیل به نظر می‌رسد که می‌توان یکی از دلایل به رسمیت شناخته شدن عقاید سیاسی متفاوت را در این نمونه‌ی آماری همین موضوع دانست.

پرسش نه : تصور کنید یکی از هم کلاسی در منطقه‌ای محروم زندگی می‌کند و شرایط مالی خوبی ندارد، تمایل شما برای اینکه به حرف‌های او گوش بدهید و درباره‌ی آنها فکر کنید، چقدر است؟

پرسش سیزده : برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است وضعیت اقتصادی او به شما شبیه باشد؟

شماره سوال	موضوع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۹	تاثیر وضعیت اقتصادی	۳۳/۷	۳۸/۹	۱۰/۵	۳/۲	۱۳/۷
۱۳	تاثیر وضعیت اقتصادی	۵۶/۸	۲۵/۳	۱۲/۶	۴/۲	۱/۱

دانش آموزان، دیگری را با وضعیت اقتصادی متفاوت، به طور میانگین، ۴۵/۲٪ خیلی زیاد، ۳۲/۱٪ زیاد، ۱۱/۵٪ متوسط، ۳/۷٪ کم و ۷/۴٪ خیلی کم است. میانگین مجموع آراء دو سوال بالا نشان می دهد که تنها حدود ۲۳٪ از افراد، کم تر از حد زیاد، دیگری را به رسمیت شناخته اند و این نکته توجه ما را به خود جلب می کند؛ چرا که نظام حکومتی کشور ایران همواره با نظام سرمایه داری مخالف بوده است و این نتیجه نیز می تواند تا حدی از این موضوع نشأت گرفته باشد. البته بدیهیست که، در ابعاد گسترده تری از جامعه، این درصد از ۲۳٪ بیشتر خواهد بود که این نظر در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این سوال مشاهده می کنیم که دانش آموزان اهمیت شرایط اقتصادی فرد مقابلشان را برای یک گفت و گو بیشتر از برقراری ارتباط جدی تر که همان دوستی است دانسته اند.

پرسش دو : تصور کنید فردی در اواسط سال از شهری دیگر به تهران آمده و به کلاس شما اضافه شده است. تمایل شما برای اینکه با او گفت و گو کنید، چه قدر است؟

پرسش هفت : اگر در یک گفتمان، فردی، نظری مخالف نظر شما ارائه کند، لهجه ی او تا چه اندازه در میزانی که شما حرف او را جدی می گیرید و درباره ی آن فکر می کنید تاثیرگذار است؟

پرسش چهارده : برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است که قومیتش به شما شبیه باشد؟

شماره سوال	موضوع سوال	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۲	تاثیر قومیت	۲۳/۲	۲۶/۲	۳۷/۹	۶/۳	۵/۳
۷	تاثیر قومیت	۵۰/۵	۲۱/۱	۱۵/۸	۹/۵	۳/۲
۱۴	تاثیر قومیت	۷۶/۸	۱۴/۷	۷/۴	۱/۱	۰

دانش‌آموزان، دیگری را با قومیت متفاوت، به طور میانگین، ۴۸/۸٪ خیلی زیاد، ۲۰/۶٪ زیاد، ۲۰/۷٪ متوسط، ۵/۶٪ کم و ۲/۸٪ خیلی کم به رسمیت شناخته‌اند. در این بخش، سه پرسش مطرح شده است که پرسش‌های ۷ و ۱۴ به طور مستقیم به قومیت اشاره دارند اما در پرسش دو، قومیت به طور بخصوص مطرح نشده است و شاید بیش از اینکه فرد باید دیگری با قومیت متفاوت را بپذیرد باید دیگری از گروهی غیرخودی را بپذیرد که قومیت متفاوت می‌تواند زیر مجموعه آن باشد. نکته قابل توجه این است که افراد برای این که با دیگری رابطه دوستی برقرار کنند تقریباً ۷۷٪ لزوم شباهت قومیتی را خیلی کم دانستند، اما تنها ۲۳٪ از همین افراد، فردی را که در اواسط سال از شهری دیگر به کلاسشان می‌آید را به رسمیت می‌شناسند و تمایل خیلی‌زیادی به گفت‌وگو با او دارند. این موضوع، می‌تواند نشان دهنده این باشد که پذیرش صرفاً نژاد و قومیت متفاوت برای افراد آسان‌تر بوده تا پذیرفتن کسی که در شرایط متفاوت از آنها در شهری دیگر زندگی کرده است یا حتی نشانه‌های ظاهری مانند لهجه متفاوت که خود ناشی از قومیت متفاوت است نیز کم‌تر از خود قومیت به رسمیت شناخته شده است.

پرسش هشت : اگر در یک کارگاه دانش‌آموزی، فردی، نظری مخالف نظر شما ارائه کند، جنسیت او تا چه اندازه در میزانی که شما حرف او را جدی می‌گیرید و درباره‌ی آن فکر می‌کنید تاثیرگذار است؟

شماره سوال	موضوع سوال	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۸	تاثیر جنسیت	۶۷/۴	۲۲/۱	۶/۳	۱/۱	۳/۲

میزان به رسمیت شناختن دیگری با جنسیت متفاوت، از سوی دانش‌آموزان، ۶۷/۴٪ خیلی زیاد، ۲۲/۱٪ زیاد، ۶/۳٪ متوسط، ۱/۱٪ کم و ۳/۲٪ خیلی کم است.

از میان تمام متغیرهای اندازه‌گیری شده در پژوهش، جنسیت، بیش‌تر از هر چیز به رسمیت شناخته شده است و تنها ۱۰/۶٪ از دانش‌آموزان جنسیت دیگری را کم‌تر از حد زیاد به رسمیت شناخته‌اند. این آمار از این جهت قابل توجه است که توسط گروه جنسیتی رقم خورده، که، در مقایسه با جنس مخالف خود در معرض رفتارهای تبعیض‌آمیز بیشتری قرار می‌گیرند.

پرسش یک: اگر در نشریه‌ی کلاسی‌تان لازم باشد بین متن‌های دانش‌آموزان کلاس‌های دیگر و هم‌کلاسی‌هایتان متنی را انتخاب کنید تا چه اندازه به طور منصفانه این کار را انجام می‌دهید؟

شماره سوال	موضوع سوال	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	تاثیر گروه کلاسی متفاوت	۳۰/۵	۳۵/۸	۲۷/۴	۳/۲	۳/۲

میزان به رسمیت شناختن دیگری با گروه کلاسی متفاوت، از سوی دانش‌آموزان، ۳۰/۵٪ خیلی زیاد، ۳۵/۸٪ زیاد، ۲۷/۴٪ متوسط، ۳/۲٪ کم و ۳/۲٪ خیلی کم است.

در این پرسش میزان پذیرش گروه‌های غیرخودی، توسط افراد سنجیده می‌شود که بیش از نود درصد آنها اذعان داشتند که در حد متوسط یا بیش‌تر، این گروه‌های غیرخودی را می‌پذیرند و در مورد کار ارائه شده توسط آنها عادلانه قضاوت می‌کنند. به این دلیل که، جامعه‌ی آماری، دانش‌آموزان بوده‌اند، پژوهشگران، دانش‌آموزان غیرخودی را گروه غیرخودی در نظر گرفته‌اند.

#### ۴-۲- نتیجه گیری

۴-۲-۱- میزان درک دانش‌آموزان دبیرستان فرزنانگان شش تهران در مقطع متوسطه دوم از مفهوم به

رسمیت شناختن دیگری :

با محاسبه‌ی میانگین آراء سوالات درمی‌یابیم که در نمونه‌ی آماری از جامعه‌ی دانش‌آموزان مدرسه‌ی دخترانه فرزنانگان شش مقطع متوسطه دوم شهر تهران به رسمیت شناختن آنچه بین افراد بیشتر از هر چیز درک می‌شود، تفاوت جنسیتی فرد روبه‌رو با کسب معدل  $4/497\%$  آراء مطلوب که نمره‌ی ۵ در نظر گرفته شده و بعد از آن تفاوت شأن و موقعیت اجتماعی فرد روبه‌رو با کسب معدل  $4/2755\%$  از آراء مطلوب می‌باشد؛ هم‌چنین به رسمیت شناختن تفاوت سن فرد روبه‌رو با کسب معدل  $3/358\%$  از آراء مطلوب و قبل از آن تفاوت در اعتقادات مذهبی با کسب معدل  $3/452\%$  از آراء مطلوب، کمتر از هر چیز درک می‌شوند.

۴-۲-۲- بررسی معیار گفت‌وگو در داده‌های به دست آمده :

در نهایت از نتایج به دست آمده می‌توان مشاهده کرد که شاخص گفت‌وگو در بخش درک به رسمیت شناختن تفاوت‌های جنسیتی، شأن و موقعیت اجتماعی متفاوت افراد، نقش پررنگی را ایفا کرده و درک بیشتری را در افراد از به رسمیت شناختن دیگری در این موارد به ارمغان آورده است؛ در بخش تفاوت وضعیت اقتصادی نیز می‌توان گفت که نقش موثری را ایفا کرده است، چراکه میزان معدل آراء مطلوب در بخش وضعیت اقتصادی  $4/037\%$  می‌باشد و رتبه‌ی سوم را از نظر بع رسمیت شناخته شدن از آن خود کرده است و اما در بخش تفاوت سن ( $3/358$ )، عقاید مذهبی ( $3/452$ )، عقاید سیاسی ( $3/955$ )، گروه کلاسی ( $3/875$ )، قومیت ( $4/025$ )، آمارها بیانگر این هستند که در این سطوح، گفت‌وگو کمتر شکل گرفته است که خود می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که به برخی از آنها اشاره شد.



از آنجایی که در روش پرسش‌نامه‌ی خود اظهاری، افراد مرجع اطلاعات هستند، پژوهشگران لازم دانسته که در اینجا به قلمرو بینابین اشاره کنند. از نظر مارتین بوبر، مسئله اساسی قلمرو بینابین عبارت است از دوگانگی بودن و نمودن. این دو، انواع متفاوت از وجود بشری هستند که بودن از ذات یعنی آنچه ناشی می‌شود فرد انسانی در واقع هست و نمودن از آنچه که هر فرد آرزو دارد به نظر دیگران بنمایاند. تفاوت بین این دو این‌گونه است که، کسی که به دنبال بودن است بدون نگرانی از این که چه تصویری از او در ذهن دیگری شکل بگیرد با او ارتباط برقرار می‌کند اما انسانی که به دنبال نمودن است همواره نگران این است که دیگری در مورد او چه فکری می‌کند و او چگونه می‌تواند تایید و تصدیق دیگری را کسب کند. از نظر بوبر این دو نوع اگزیستانس در هر انسانی در هم آمیخته است، بر این اساس پاسخ پرسش‌ها تحت تاثیر این موضوع قرار می‌گیرد. همچنین همانطور که انتظار می‌رود افراد ویژگی‌های متفاوت یکدیگر را به رسمیت بشناسند، لازم است هر فرد شجاعت این که بر تظاهر غلبه کند را داشته باشد و فارغ از انتظارات دیگران با آنها ارتباط برقرار کند، زیرا لازمه اگزیستانس بشری غلبه بر تظاهر و حاضر ساختن دیگری است.

# فصل پنج

## ۵-۱- نتیجه گیری

با توجه به نتایج پرسش‌نامه، اگر بالاترین نمره‌ی ممکن در به رسمیت شناختن دیگری، نمره‌ی ۷۰ باشد، میانگین نمره‌ی افرادی که به این پرسش‌نامه پاسخ داده‌اند ۴۱/۶ است که از ۲۰، ۱۱/۸ است و اگر نمره‌ی قبولی را در نظر بگیریم، این نمره کمتر از حد قبولی خواهد بود. البته این نکته را نیز باید در نظر گرفت که میزان به رسمیت شناختن دیگری در موضوعات و بخش‌های مختلف، متفاوت است. با توجه به نتایج، پژوهشگران دریافته‌اند که از بین هشت متغیر (تفاوت عقاید سیاسی، عقاید مذهبی، وضعیت اقتصادی، شأن و موقعیت اجتماعی، گروه کلاسی، سن، جنسیت و قومیت) که در پرسش‌نامه مورد پرسش قرار گرفته‌اند، به ترتیب از کم به زیاد، سن، عقاید مذهبی، عضویت در گروه کلاسی متفاوت (گروه غیر خودی)، عقاید سیاسی، قومیت، وضعیت اقتصادی، شأن و موقعیت اجتماعی و سن به رسمیت شناخته شده‌اند. یافتن علت این تفاوت در بخش‌های مختلف نیازمند پژوهشی جداگانه است اما پژوهشگران در خلال پژوهش حدس‌های اندیشمندانه خود را درباره‌ی این علل مطرح کرده‌اند. پژوهشگران معتقدند که برای بررسی بهتر این مفهوم، نیازمند پژوهش‌های کیفی هستیم که ایشان در این پژوهش، به دلیل محدودیت‌های ذکر شده، قادر به انجام آن نبوده‌اند.

## ۲-۵- پیشنهادات

۱. برگزاری کلاس‌های آموزش مهارت گفت‌وگو در مدارس و تاکید بر ضرورت یادگیری و اعمال این مهارت در روابط روزمره
۲. بیان اهمیت و ضرورت به رسمیت شناختن دیگری و برقراری ارتباط با او در بین گروه‌های دانش-آموزی
۳. تخصیص ساعتی معین به جلساتی که در آن بین دانش‌آموزان یک مدرسه گفت‌وگو شکل بگیرد.

## منابع

۱. آدیچی، چیما ماندا. (۱۳۹۰)، خطر تکراریت، داستان همشهری، شماره ۹، ص: ۲۳۱
۲. استعدادی شاد، مهدی. (۱۱ ژانویه ۲۰۱۰)، گفت‌وگو با آکسل هونت، فرانکفورتر روند شاو
۳. افتخاری راد، امیرهوشنگ. (۱۳۸۴)، فیلسوف دیگری، سالنامه‌ی شرق، شماره ۲، ص: ۱۵۷
۴. ریویر، فرانسوا، سرمایه گذاری در تکثر فرهنگی و گفت‌وگوی میان فرهنگی. (۱۳۸۸)
۵. شرفی، محمود؛ ایمانی، محسن، بررسی و نقد اخلاق در اندیشه‌ی مارتین بوبر، (۱۳۸۹)
۶. نمو، فیلیپ. (۱۳۷۹)، گفت‌وگو با امانوئل لویناس، (ترجمه مراد فرهادپور)، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۶، تهران: ارغنون
۷. <http://parstoday.com/fa/america-i147168>
۸. <https://www.yjc.ir/fa/news/6762464>
۹. <https://www.yjc.ir/fa/news/6750677>
۱۰. [dialogcenter.net/?p=1070](http://dialogcenter.net/?p=1070)

ردیف	سوالات	خیلی - کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی - زیاد
۱	اگر در نشریه‌ی کلاسی‌تان لازم باشد بین متن‌های دانش‌آموزان کلاس‌های دیگر و همکلاسی‌تان، متنی را انتخاب کنید تا چه اندازه منصفانه این کار را انجام می‌دهید؟					
۲	تصور کنید فردی در اواسط سال از شهری دیگر به تهران آمده و به کلاس شما اضافه شده است. تمایل شما برای اینکه با او گفت‌وگو کنید، چه قدر است؟					
۳	تصور کنید که متوجه می‌شوید عقاید مذهبی یکی از معلم‌هایتان با عقاید مذهبی شما مخالفت دارد. این اختلاف به چه میزان در گوش دادن به حرف‌های او و تفکر کردن درباره‌ی آنها تاثیرگذار است؟					
۴	تصور کنید در دوران انتخابات ریاست جمهوری متوجه می‌شوید یکی از همکلاسی‌هایتان عقاید سیاسی مخالف با عقاید سیاسی شما دارد؛ این اختلاف به چه میزان در روابط ما بین شما تاثیرگذار است؟					
۵	در یک پروژه گروهی بعد از یک هفته متوجه می‌شوید که تحصیلات پدر و مادر هم گروهی شما از دیپلم پایین‌تر است و محل زندگی آنها در جنوب شهر واقع شده است، این موضوع تا چه میزان در ادامه‌ی همکاری شما با او تاثیرگذار است؟					
۶	اگر در یک گفت‌وگو، فردی، نظری مخالف نظر شما ارائه کند، سن او تا چه اندازه در میزانی که شما حرف او را جدی می‌گیرید و درباره‌ی آن فکر می‌کنید تاثیرگذار است؟					
۷	اگر در یک گفت‌وگو، فردی، نظری مخالف نظر شما					

					ارائه کند، لهجه‌ی او تا چه اندازه در میزانی که شما حرف او را جدی می‌گیرید و درباره‌ی آن فکر می‌کنید تاثیرگذار است؟
					۸ اگر در یک کارگاه دانش‌آموزی، فردی، نظری مخالف نظر شما ارائه کند، جنسیت او تا چه اندازه در میزانی که شما حرف او را جدی می‌گیرید و درباره‌ی آن فکر می‌کنید تاثیرگذار است؟
					۹ اگر در یک گفتمان، فردی، نظری مخالف نظر شما ارائه کند، سن او تا چه اندازه در میزانی که شما حرف او را جدی می‌گیرید و درباره‌ی آن فکر می‌کنید تاثیرگذار است؟
					۱۰ برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است اعتقادات مذهبی او به شما شبیه باشد؟
					۱۱ برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است عقاید سیاسی او به شما شبیه باشد؟
					۱۲ برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است شأن اجتماعی او (شغل و میزان تحصیلات پدر و مادر و...)، به شما شبیه باشد؟
					۱۳ برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است وضعیت اقتصادی او به شما شبیه باشد؟
					۱۴ برای اینکه یک نفر دوست صمیمی شما شود، تا چه اندازه لازم است که قومیتش به شما شبیه باشد؟